

ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال ششم شماره ۱۵۷

۲۳ مهر ۱۴۰۰ / ۱۵ اکتبر ۲۰۲۱



زندان انفرادی



در این شماره می خوانید:

زندان انفرادی، مصداق شکنجه

انفرادی و شکایت از آن در ایران: نتیجه هرچه باشد به نفع دادخواهی است

«سلول انفرادی» در قوانین ایران

به کارگیری سلول انفرادی به مثابه شکنجه؛ نهادهای قانون گریز و عدم استقلال قوه قضائیه

حبس انفرادی مجازاتی غیرقانونی، اما محبوب دستگاه های امنیتی

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: نقی محمودی، رضا حاجی حسینی، عسل همتی، جواد عباسی توللی، علی اصغر فریدی

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.



کردن دشمنان اسلام و اسراء در جنگ‌ها. مجازات‌های به رسمیت شناخته شده در اسلام که برخی از آنها مقتبس از قرآن و سنت پیامبر اسلام بوده و مستقیماً به قانون‌های مجازات اسلامی مدون در بعد از ۲۲ بهمن سال ۵۷ منتقل شده‌اند عبارتند از اعدام، قصاص نفس یا عضو، شلاق، رجم یا سنگسار، صلب، قطع انگشتان دست و از این قبیل. مجازات‌های مذکور در بخش‌های حدود، قصاص و دیات قوانین مجازات جمهوری اسلامی ایران، به تفصیل ذکر شده‌اند. بنابراین مجازات حبس صرفاً در بخش تعزیرات قوانین مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران آمده است.

به عنوان محلی برای آزار و اذیت و شکنجه‌ی آنها استفاده شده است. خاصه در ارتباط با بسیاری از زندانیان سیاسی، شکنجه منحصر به بازداشتگاه‌های امنیتی و آگاهی نبوده و در زندان نیز زندانیان در طول مدت حبس خود، متحمل شکنجه‌های جسمی و روانی می‌شوند. گاه پس از انتقال زندانی به زندان قبل از پایان تحقیقات مقدماتی و صدور حکم و حتی بعد از پایان تحقیقات مقدماتی و صدور حکم، زندانی را مجدداً به بازداشتگاه‌های خارج از زندان برده‌اند و به آنها شکنجه‌های روحی و روانی اعمال شده است.

تاکید بر حقوق زندانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

متأسفانه بسیاری از اصول مصوب قانونی در حاکمیت جمهوری اسلامی (خاصه قانون اساسی) در مرحله‌ی تقنین و تصویب متوقف شده و به مرحله‌ی اجرا نرسیده است. به عنوان مثال اصل ۳۹ قانون اساسی، که در کنار تأکید به حفظ حقوق متهمین به حفظ حقوق زندانیان نیز اشاره کرده

زندان فقط به هدف محرومیت از آزادی

هر گونه مجازات بدنی دیگر مثل مجازات از طریق قرار دادن در يك سلول تاریک، کاهش جیره‌ی غذایی و کلیه مجازات‌های غیرانسانی و خوار کننده، چه در حکم دادگاه و چه به عنوان مجازات تخلفات انتظامی، ممنوع است.

متأسفانه در زندان‌های جمهوری اسلامی از بدو تاسیس تا به این روز، زندان نه فقط به عنوان محل نگه‌داری زندانیان، بلکه

زندان انفرادی، مصداق شکنجه



نقی محمودی

یا مجازات تخطی از مقررات زندان در مورد زندانیان سیاسی و حتی غیر سیاسی استفاده می‌شود. هر از گاهی زندانیان سیاسی از درون زندان‌های جمهوری اسلامی نامه‌هایی را خطاب به مسئولین زندان و مسئولین قضائی نوشته و از اعمال زندان انفرادی به عنوان شکلی از "شکنجه" نام برده‌اند.

حقوق زندانی در مدت حبس

هدف و توجیه مجازات حبس یا تدابیر مشابهی که محروم کننده از آزادی هستند، در نهایت باید حمایت از جامعه علیه جرم باشد. این هدف فقط در مواردی دست یافتنی است که پس از مدت حبس، مجرم نه تنها بخواهد بلکه بتواند قانون محور شود و خود زندگی شخصی خود را اداره کند و نیاز به حمایت نداشته باشد. یعنی بازپروری و بازگشت مجدد مجرم پس از تحمل دوران حبس، یکی از اهداف مجازات حبس باشد. بنابراین، زندان‌ها باید مجهز به کلیه‌ی ابزارهای ترمیمی، آموزشی، اخلاقی، معنوی و سایر توانمندی‌های حمایتی مناسب و در دسترس برای زندانیان باشد.

زندان در نظام‌های حقوقی اسلامی

نظام‌های حقوقی اسلامی، زندان را به عنوان نوعی از مجازات به رسمیت نمی‌شناسد. مگر در موارد استثنائی مثل محبوس

اشاره: مجازات زندان در نظام‌های کیفری معاصر جهان، یکی از شایع‌ترین نوع مجازات محسوب می‌شود. عدالت کیفری و حقوق زندانی‌ها ایجاب می‌کند که مجازات زندان تنها به محرومیت و محدودیت از آزادی فرد محکوم، منحصر و محدود شود و محکوم در طول مدت حبس متحمل مجازات و محدودیت‌های دیگری نشود. همچنین در مدت حبس بایستی تمام حقوق زندانی اعم از تغذیه، بهداشت روانی و جسمی، مطالعه، مکاتبه، ملاقات با وکیل و بستگان، از سوی مسئولین زندان و مسئولین قضائی حفظ و رعایت شود. مجازات زندان انفرادی به عنوان "حبس مجرد" به مدت دو تا ده سال، در قوانین مجازات قبل از ۲۲ بهمن سال ۵۷ پیش‌بینی شده بود ولی قوانین مصوب بعد از ۲۲ بهمن سال ۵۷ چنین نوع مجازاتی را در قوانین کیفری مصوب پیش بینی نکرده است.

زندان انفرادی

نوعی زندان است که در آن زندانی هیچ گونه ملاقاتی با دیگران به جز با مسئولین زندان، مسئولین قضائی و وکیل خود ندارد. ممکن است که در برخی موارد استثنائی برای محافظت از محکوم در برابر آسیب‌های زندانیان دیگر و یا آسیب‌هایی که ممکن است به خود وارد کند، استفاده شود ولی در برخی از موارد در زندان‌های جمهوری اسلامی ایران، به عنوان تنبیه

است، عملاً اجرا نمی‌شود. اصل مذکور مقرر می‌دارد: هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است. ضمانت اجرای این اصل قانون اساسی را نیز به صورت کلی در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی می‌توان یافت که در آن سلب حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، موجب انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی و حبس از دو ماه تا سه سال خواهد بود.

همچنین، در اجرای ماده ۹ قانون تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۶۴ و مواد ۵۲۰ و ۵۲۸ و ۶۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری و لحاظ «سند تحول قضایی» مصوب ۳۰/۹/۱۳۹۹ آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۲۸/۲/۱۴۰۰ ریاست قوه قضائیه نیز هر گونه تندخویی، دشنام، ادای الفاظ رکیک یا تنبیه بدنی زندانی و اعمال تنبیهات خشن و مشقت بار و موهن در زندان‌ها را به استناد مواد مختلف آن بطور کلی ممنوع کرده است. اخباری که هر از گاهی از داخل زندان‌ها به بیرون درز می‌کند نشانگر این موضوع است که نه تنها هتک حرمت و حیثیت زندانیان، خاصه زندانیان سیاسی، به شکل گسترده و بدون کنترل و نظارتی شایع است بلکه گاه در اثر شدت رفتارهای خشن و شکنجه‌های اعمال شده در داخل بندها و سلول‌های انفرادی، زندانی جان خود را نیز از دست می‌دهد.

عدم وجود "زندان انفرادی" در زمره‌ی تنبیه‌های انتظامی

تنبیهات و مجازات انتظامی در ماده ۴۱ آیین‌نامه‌ی اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی به چهار دسته تقسیم شده و زندان انفرادی در زمره‌ی این تنبیهات نیست. طبق ماده ۴۱. در صورت ارتکاب تخلف انضباطی توسط زندانی یا متهم بازداشتی، شورای انضباطی پس از تفهیم موضوع به زندانی و استماع دفاعیات او، در صورت احراز تخلف، با لحاظ پیشنهاد سامانه سجازا، یکی از تنبیه‌های زیر را با رعایت تناسب انتخاب می‌نماید که پس از تأیید قاضی اجرای احکام، اجرا می‌شود:

الف. محرومیت از انواع ملاقات‌ها حداکثر تا سه نوبت (به استثنای ملاقات با وکیل و مقامات رسمی)؛

ب. محرومیت از مرخصی حداکثر تا سه ماه؛

پ. انتقال از مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال به زندان بسته یا نیمه‌باز؛

ت. محرومیت از پیشنهاد عفو و آزادی مشروط حداکثر تا شش ماه.

منع زندان انفرادی در اسناد بین‌المللی

زندانیان از جمله گروه‌های در معرض خطر نقض حقوق بشری در سطح جامعه بین‌المللی هستند که به لحاظ شرایطی که در آن به سر می‌برند، امکان نادیده گرفتن آن‌ها و تعرض به حقوق و آزادی‌های اساسی شان بیش از دیگر گروه‌های انسانی بوده و غالباً شرایط منصفانه‌ای برای احقاق حقوق آن‌ها وجود ندارد و به طور خاص تحت انواع و اقسام رفتارهای غیر انسانی، تحقیر آمیز، ظالمانه و حتی گاهی شکنجه قرار می‌گیرند.

از این رو، ضرورت حمایت بیشتر و مؤثرتر از آنها، تدوین و تصویب مقررات ویژه‌ای را ایجاب می‌نماید. به همین جهت سازمان ملل متحد در ضمن تلاش‌های مداوم و طولانی برای انسانی نمودن عدالت جزایی و حمایت از حقوق بشر، به طور خاص به مسأله زندانیان و شیوه‌های مختلف حمایتی از آنان جهت رعایت حقوق انسانی و تضمین آزادی‌های اساسی آن‌ها نیز در قالب تدوین اسناد و قطع نامه‌های متعددی همت گمارده است.

از جمله این تلاش‌ها می‌توان به تصویب اعلامیه «اصول اساسی رفتار با زندانیان» اشاره نمود.

پیمان نامه اصول اساسی رفتار با زندانیان، در چهاردهم دسامبر ۱۹۹۰ طی قطع‌نامه شماره ۴۵/۱۱۱ و در یازدهم ماده به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده است. این اعلامیه شامل اصل کرامت ذاتی و اصل عدم تبعیض، بهره‌مندی زندانیان از تمامی حقوق و آزادی‌های اساسی و رعایت اصل اساسی توازن و توجه به نگاه‌داری زندانیان است. این سند از حیث گستره شمول آن در زمره اسناد بین‌المللی حقوق بشر و در دسته اسناد خاص بین‌المللی محسوب می‌شود؛ اما از حیث ماهیت، سند حاضر دارای جنبه اعلامیه‌ای بوده که از این جهت بر دولت‌های عضو الزام‌آور نبوده و صرفاً دارای ارزش اخلاقی و سیاسی می‌باشد.

ماده ۷ حبس انفرادی را به عنوان یکی از بارزترین رفتارهای غیر انسانی که نسبت به زندانیان صورت می‌پذیرد، مورد توجه قرار داده و اصل اساسی را تلاش برای حذف یا محدودیت استفاده از آن دانسته است: تلاش‌هایی برای الغای حبس انفرادی به عنوان تنبیه، مجازات یا محدودیت استفاده از آن باید صورت پذیرد و تشویق شود.

انفرادی و شکایت از آن در ایران: نتیجه هرچه باشد به نفع دادخواهی است



رضا حاجی حسینی

• تقریباً دو سال در بند امنیتی در انفرادی بودم. دو ماه اول برای من شکنجه مطلق بود. هیچ ارتباطی نداشتیم و در یک سلول دو در یک متر حبس بودم. من را سه بار دستشویی می‌بردند. از نظر مغزی هیچ چیزی برای سرگرمی وجود نداشت... انفرادی خودش شکنجه است. من به جایی رسیدم که می‌گفتم هر چه بخواهند می‌گویم، اعدام می‌کنند و تمام می‌شود...

این جمله‌ها بخشی از روایت سعید ملک‌پور، زندانی سیاسی سابق در ایران است در اتاق «شکنجه سفید» روایت‌هایی از سلول انفرادی، در شبکه اجتماعی کلاب هاوس در روز سه‌شنبه ۱۱ خرداد ۱۴۰۰. ملک‌پور در سال ۱۳۸۶ دستگیر و از سوی دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شد اما شهریور ۱۳۹۲ اعلام شد حکم او با یک درجه تخفیف به حبس ابد تغییر یافته است. او در ۲۹ تیر ۱۳۹۸ در حالی که بعد از ۱۱ سال زندان برای نخستین بار با وثیقه یک و نیم میلیارد تومانی به مرخصی آمده بود، از ایران خارج شد و به کانادا رفت.

اما این تنها سعید ملک‌پور نیست که نفس حضور فرد بازداشت شده یا زندانی را در سلول انفرادی، شکنجه می‌داند. بر همین مبنا در ماه‌های گذشته ده‌ها فعال سیاسی و مدنی که بعضاً تجربه زندان و انفرادی را داشته‌اند، با ثبت شکایت و دادخواست در دفاتر قضایی، علیه آمران و عاملان سلول انفرادی اعلام شکایت کرده‌اند که از میان این افراد می‌توان به نرگس محمدی، ابوالفضل قدیانی، جعفر پناهی، فائزه هاشمی

رفسنجانی، ژیلای بنی‌یعقوب، بهمن احمدی امویی، سعید مدنی، رسول بدائی، کیوان صمیمی، فرهاد میثمی، آرش صادقی، سعید اقبالی و رضا محمدحسینی اشاره کرد.

گفتنی‌ست که نرگس محمدی روز ۲۵ آبان ۱۴۰۰، به دنبال یورش نیروهای امنیتی به مزار ابراهیم کتابدار، از کشته‌شدگان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ بار دیگر بازداشت شد. خانواده این فعال حقوق بشر یک روز بعد اعلام کرد او در تماسی تلفنی خبر داده که در بند دو-الف زندان اوین (زیر نظر اطلاعات سپاه) و در «سلول انفرادی» به سر می‌برد و حکم ۳۰ ماه زندان و ۸۰ ضربه شلاق به او ابلاغ شده است.

نرگس محمدی پیش از این نوبت بازداشت، در وبیناری با عنوان «شکنجه سفید و هویت‌زدایی از زندانیان سیاسی» که «زمانه مدیا» (راديو زمانه) برگزارکننده آن بود، درباره سلول انفرادی گفته است: «وقتی ما درباره شکنجه جسمی صحبت می‌کنیم، در واقع ابزار آن شکنجه را توضیح می‌دهیم. مثلاً وقتی در رابطه با شکنجه زیر کابل صحبت می‌کنیم، می‌شود یک شلاق را تصور کرد و فردی که روی یک تخت بسته شده. یا وقتی درباره شکنجه اتوی داغ گذاشتن پشت یک نفر صحبت می‌کنیم، این ابزار قابل تصویرسازی است اما وقتی درباره شکنجه سفید یا سلول انفرادی حرف می‌زنیم، ما حتی با تصویرسازی یک سلول هم نمی‌توانیم آن شکنجه را توضیح دهیم. یعنی حتی اگر بتوانیم فیزیکی یک جعبه مکعبی دو متر در سه متر یا دو متر در یک و نیم متر یا ابعاد دیگر را ترسیم کنیم،

باز هم نمی‌توانیم پدیده سلول انفرادی را توضیح دهیم. ... فکر کنید که شما بخواهید وقت خوابیدن چراغ را خاموش کنید اما نتوانید. یا هر وقت خواستید به توالت بروید - به همین راحتی - اما این کار برایتان در سلول انفرادی ممکن نباشد. شکنجه سفید به همین راحتی اتفاق می‌افتد.»

با وجود استفاده فراگیر نهادهای امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی از سلول انفرادی به عنوان ابزاری برای اعمال فشار بر فرد بازداشت‌شده یا زندانی، شکایت از آمران و عاملان به سلول انفرادی بردن زندانیان از چه زاویه‌ای قابل بررسی و ارزیابی است؟

معین خزائی، حقوقدان و پژوهشگر حقوق بشر در پاسخ به این سوال به «حقوق ما» می‌گوید: «ثبت شکایت و تلاش برای دادخواهی قضایی اولین قدم در راه اثبات قانونی ممنوع بودن سلول انفرادی و اعتراف به غیرقانونی بودن عملکرد نهادهای امنیتی در استفاده از آن است. ثبت شکایت در واقع مقاومتی کاملاً مدنی و قانونی در برابر عملی است که نهادهای امنیتی دست‌کم نزدیک به ۲۰ سال پس از غیرقانونی دانستن آن از سوی قوه قضاییه، همچنان آن را اعمال می‌کنند.»

ممنوعیت سلول انفرادی در قوانین جمهوری اسلامی

شادی عامل (نام مستعار)، حقوقدان در ایران هم در پاسخ به همین سوال «حقوق ما» با اشاره به مواد قانونی ممنوع بودن شکنجه می‌گوید: «بر اساس مواد ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی، نگهداری زندانیان در سلول انفرادی از مصادیق شکنجه و ممنوع است. این ماده عنوان می‌کند که هر یک از مقامات و مأموران وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که بر خلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید، علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی، به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

این حقوقدان در ادامه توضیح خود به مواد دیگری از قوانین تصویب شده در جمهوری اسلامی هم اشاره می‌کند و می‌گوید: «از سوی دیگر بر اساس ماده ۵۷۹ قانون مجازات اسلامی، چنانچه هر یک از مأموران دولتی، محکومی را سخت‌تر از مجازاتی که مورد حکم است مجازات کند یا مجازاتی کند که مورد حکم نبوده است، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم

خواهد شد و از سوی دیگر در اصل ۳۶ قانون اساسی هم آمده است که حکم به مجازات و اجرای آن تنها باید از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. این در حالی است که مجازات سلول انفرادی فاقد وجهه قانونی است چرا که در هیچ بخشی از قانون مجازات اسلامی عنوان نشده است.»

به گفته این حقوقدان در ایران، با توجه به مواد اشاره شده، شهروندان یا فعالان مدنی در صورتی که در طول دوره زندان خود سلول انفرادی را تجربه کرده باشند، می‌توانند شکایت‌هایشان را در مراجع قضایی کشور و در یک مرجع نظارتی ثبت و پیگیری کنند: «بر اساس ماده دو "قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور"، این سازمان وظیفه نظارت و بازرسی بر کلیه نهادها و سازمان‌هایی را که به نحوی از انحا از بودجه عمومی استفاده می‌کنند برعهده دارد. بر همین مبنا شهروندان و فعالان مدنی می‌توانند شکایت خود را در مورد غیرقانونی بودن تجربه سلول انفرادی به این سازمان ارائه دهند.»

او اما می‌گوید شکایت‌ها باید به لحاظ حقوقی مستند و مستدل باشند گرچه از آنجا که سازمان بازرسی کل کشور نهاد قضایی محسوب نمی‌شود و یک نهاد نظارتی است، مانند نهادهای قضایی، رسیدگی با حضور طرفین و صدور حکم همراه نخواهد شد بلکه این نهاد نظارت می‌کند که آیا دولت و مأموران آن وظایف خود را به درستی انجام داده‌اند یا نه: «در صورتی که سازمان بازرسی کل کشور گزارش مواردی از تخلف و نقض قوانین و مقررات دریافت کند، آن‌ها را به مراجع مربوطه اطلاع می‌دهد و می‌تواند ارائه پیشنهاد و گزارش به مراجع ذی‌ربط انجام دهد. البته امکان رسیدگی ماهوی و ورود به پرونده و صدور حکم را ندارد و در اکثر موارد، پرونده را به دیوان عدالت اداری ارجاع می‌دهد.»

تأثیر سلول انفرادی بر ذات و حرمت انسانی

قوه قضاییه در ایران، خود بر جنبه مجازات‌گونه سلول انفرادی و در نتیجه ممنوعیت اعمال آن - دست‌کم از سوی نهادهای امنیتی و انتظامی و مقامات زندان - تأکید کرده است.

معین خزائی، حقوقدان هم بر همین نکته تأکید دارد. او می‌گوید که بر اساس رأی وحدت رویه‌ای که دیوان عدالت اداری در بهمن سال ۱۳۸۲ صادر کرده، فرستادن زندانی به سلول انفرادی ممنوع است. خزائی همچنین می‌گوید بر اساس این رأی وحدت رویه، بند چهار سابق ماده ۱۶۹ آیین‌نامه

غیرقانونی است.

دست‌آورد شکایت از آمران و عاملان فرستادن زندانیان به انفرادی

شکایت از رفتارهای غیرقانونی نهادهای قضایی و امنیتی چه دست‌آوردهایی می‌تواند داشته باشد؟

معین خزائی در پاسخ به این سوال می‌گوید: «قوه قضاییه جمهوری اسلامی مدفن شکایت‌ها و دادخواهی‌هایی است که به ثمر نرسیده‌اند. بسیاری از این شکایت‌ها حتی وارد روند رسیدگی هم نشده‌اند و از همان ابتدا - بدون رسیدگی بدوی و مقدماتی - کنار گذاشته شده‌اند. از این رو تعجبی ندارد اگر این شکایت نیز به نتیجه نرسد. اما در عین حال دادخواهی از ابتدایی‌ترین و اصلی‌ترین حقوق انسان‌هاست که باید از آن بهره‌مند شوند. ثبت شکایت و دادخواهی برای آن به معنی به رسمیت شناختن غیرقانونی بودن فعل مورد شکایت است. یعنی دست‌کم گروهی از افراد در جامعه وجود دارند که به غیرقانونی و غیرانسانی بودن سلول انفرادی آگاهند و نسبت به استفاده از آن علیه زندانیان توسط نهادهای امنیتی معترض هستند.»

به گفته خزائی، این شکایت خود بزرگ‌ترین شهادت و دلیلی است که نشان می‌دهد ادعای این افراد مبنی بر نگهداری شدن در سلول انفرادی نه صرفاً یک ادعا که حقیقتی است که آنها در یک روند قضایی به دنبال اثباتش بوده و می‌خواهند اعمال کنندگان آن را در برابر عمل خود پاسخگو کنند.

او معتقد است که شکایت‌های اینچنینی آگاهی عمومی را نسبت به حقوق انسانی زندانیان افزایش داده و سبب گسترش مطالبه‌گری در جامعه خواهند شد چون ممکن است افرادی باشند با این ذهنیت که نگهداری زندانیان در سلول انفرادی اقدامی قانونی است: «با روشنگری‌ها و تلاش‌های صورت گرفته از سوی فعالان مدنی اما نقش مخرب و شکنجه‌گونه سلول انفرادی امروز برای بسیاری کاملاً آشکار شده است.»

شادی عامل (نام مستعار) هم در همین زمینه می‌گوید: «ثبت و پیگیری این گونه شکایت‌ها از سوی فعالان مدنی جدا از اینکه راه را برای پیگیری قضایی و نظارتی حتی در سیستم ناقص قضایی ایران باز می‌کند، ممکن است سبب پیشگیری از تصمیمات خودسرانه مدیران یا مأموران زندان‌ها در آینده شود.»



سازمان زندان‌ها که به مقامات زندان اجازه می‌داد به عنوان تنبیه زندانی را تا یک ماه به سلول انفرادی منتقل کنند، حذف شد.

او در ادامه می‌گوید: «نکته قابل توجه در این رأی این است که هیأت عمومی دیوان عدالت اداری بر نقش مخرب و غیرانسانی سلول انفرادی بر ذات و حرمت انسانی تأکید کرده و نگهداری زندانی را به ویژه به صورت طولانی مدت در سلول انفرادی، سبب هتک حرمت و حیثیت او دانسته است.»

به این ترتیب و بر اساس گفته‌های این حقوقدان و پژوهشگر حقوق بشر، قوانین داخلی ایران اعمال زندان انفرادی - با توجه به اینکه نوعی مجازات است - را صرفاً در صلاحیت مقام قضایی دانسته، آن هم پس از اثبات جرم متهم و در نتیجه رأی دادگاه مبنی بر مجرمیت و نه در صلاحیت نهادهای امنیتی و نه حتی دادستان؛ پیش از تشکیل دادگاه و اثبات جرم.

به گفته خزائی، از آنجا که در هیچ یک از قوانین موضوعه کیفری در ایران مجوزی برای صدور حکم نگهداری زندانیان به صورت انفرادی در زندان به عنوان مجازات داده نشده، از اساس چنین مجازاتی به طور کامل نه تنها بر خلاف حقوق و کرامت انسانی زندانیان و متهمان است، بلکه صراحتاً و کاملاً

«سلول انفرادی» در قوانین ایران



عسل همتی

می‌شود؟

به طور سنتی از سلول انفرادی در مواردی استفاده می‌شد که ممکن بود یک زندانی برای خود یا دیگر زندانیان ایجاد خطر کند یا یک زندانی به علت شاهد بودن یا نوع جرمی که مرتکب شده است، مانند قتل یا تجاوز در معرض خطر باشد و احتمال آسیب رساندن به او از سوی دیگر زندانیان وجود داشته باشد. این نگاه سنتی در جهان امروز از لحاظ حقوق بشر محل ایراد است و در صورت وجود خطر برای متهم نیز نباید در سلول انفرادی قرار گیرد و باید تمهیدی در این باره اندیشیده شود که متهم در محلی امن غیر از سلول انفرادی نگهداری شود ولی در ایران گاهی برای تنبیه، مجازات مضاعف یا فشار بر متهم به منظور گرفتن اعتراف از سلول انفرادی استفاده می‌شود. این موضوع خلاف روح قانون اساسی و قوانین عادی کشورمان و اسناد بین‌المللی حقوق بشری از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است که ایران نیز به آن پیوسته است.

سلول انفرادی جز در آیین‌نامه داخلی زندان‌ها در هیچ جای دیگری از قانون برای متهمان تجویز نشده است. با این حال متهمان سیاسی و امنیتی دوره‌های طولانی سلول انفرادی را پیش از تشکیل جلسه محاکمه و در حین برگزاری دادگاه تجربه کرده‌اند. حقوق‌دانان، فعالان مدنی و زندانیان سیاسی و عقیدتی بر این باورند که سلول انفرادی مصداق شکنجه است، شکنجه‌ای که بازجوهای نهادهای امنیتی خارج از اراده قانون به زندانیان تحمیل می‌کنند تا آنان را بشکنند و مقدمات صدور احکام سنگین قضایی را برایشان فراهم کنند. علی‌خامنه‌ای در بخشی از خاطراتش گفته بود: «گذرانیدن یک ماه در سلول انفرادی مساوی با یک سال در زندان عمومی است.»

در «حقوق ما» با محمد مقیمی، وکیل دادگستری و کنش‌گر مدنی، درباره جایگاه سلول انفرادی در قوانین ایران گفت‌وگو کرده‌ایم.

۱. پیش از اینکه وارد بحث شویم، ابتدا بگویید که در زندان‌ها و بازداشتگاه‌های ایران برای سلول انفرادی چه کاربردهایی دیده شده و به چه منظور از آن استفاده

۲. در قوانین ایران به سلول انفرادی و تحمیل آن به متهمان چه اشاره‌ای شده است؟ قانون سلول انفرادی را در چه

شرایطی تجویز می‌کند؟!

حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورتی که باشد ممنوع و موجب مجازات است. در همین راستا، دیوان عدالت اداری ضمن ابطال بند ۴ ماده ۱۷۵ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها که در آن استفاده انضباطی از زندان انفرادی به مدت یک ماه مجاز شناخته شده بود، با صدور رای وحدت رویه نگهداری متهمان را در سلول انفرادی از مصادیق بارز شدت عمل و مخالف اصل ۳۹ قانون اساسی یعنی برخلاف حیثیت و کرامت انسانی متهمان قلمداد کرده است.

۴. در ادامه سوال قبلی می‌پرسم: از شکنجه در قوانین ایران چه تعریفی شده است و اعمال آن، شکنجه‌گر را به چه مجازاتی محکوم می‌کند؟

در قوانین ایران از شکنجه و مصادیق آن تعریفی داده نشده است، ولی از مفاد قوانین مختلف چنین بر می‌آید که شکنجه، آزار و اذیت متهمان یا محکومان مجاز شمرده نشده و جرم است. البته قطعاً در این خصوص در ایران با خلأ قانونی مواجه‌ایم و باید افزون بر پیوستن به کنوانسیون منع شکنجه در قوانین عادی نیز به این مورد بیشتر پرداخته شود.

۵. در مرحله تحقیقات مقدماتی یا بازجویی، زندانیان عقیدتی و سیاسی را به سلول‌های انفرادی می‌برند. اعترافی که در سلول انفرادی و زیر فشار روحی، روانی و جسمی گرفته می‌شود چقدر از نظر حقوقی قابل استناد است؟

اعترافی که زیر شکنجه و اعمال فشار اخذ شده باشد، مغایر اصول حقوقی است، چنان‌که اصل ۳۸ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.» ماده ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز بیان می‌دارد: «اقراری که تحت اکراه، اجبار، شکنجه یا اذیت و آزار روحی یا

در قانون مجازات اسلامی اشاره‌ای به زندان انفرادی یا تعریف شکنجه و مصادیق آن نشده است، ولی برابر ماده ۵۷۸ این قانون، هرگونه اذیت و آزار بدنی متهم توسط مستخدمین و مامورین قضایی و غیر قضایی دولتی و به قصد مجبور کردن او به اقرار جنبه مجرمانه داشته و قابل پیگرد قانونی و مجازات کیفری است. همچنین ماده ۵۷۹ قانون یادشده می‌گوید: مامورینی که محکومی را سخت‌تر از مورد حکم یا آنچه که مورد حکم نبوده مجازات کنند، مرتکب جرم شده‌اند و مستحق مجازات هستند. همچنین برابر ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی سلب آزادی افراد برخلاف قانون و محروم کردن اشخاص از حقوق مقرر در قانون اساسی واجد وصف مجرمانه بوده و قابل پیگرد قانونی است. البته مجلس ششم قانون منع شکنجه را تصویب کرد اما دبیر شورای نگهبان در تاریخ ۱۶ خرداد ۱۳۸۱ طرح منع شکنجه را در موارد متعددی خلاف شرع دانست و در برخی موارد خلاف قانون اساسی شناخت و برای اصلاح به مجلس بازگرداند.

۳. کسانی که تجربه سلول انفرادی داشته‌اند آن را مصداق شکنجه می‌دانند. حتی فعالان مدنی چهار نوبت به آن شکایت رسمی داشته‌اند و شکایتشان را نیز ثبت کرده‌اند و کمپین‌هایی هم در رابطه با آن تشکیل شده است. نخست اینکه فعالان مدنی با استناد به چه قوانینی، انفرادی را مصداق شکنجه می‌دانند؟

سلول انفرادی از مصادیق بارز شکنجه روان‌شناختی است. شکنجه سفید (White torture)، نوعی شکنجه روان‌شناختی مبتنی بر محرومیت حسی و منزوی کردن یک شخص است. شکنجه سفید موجب تخریب هویت شخصی و کاهش توان ذهنی شکنجه‌شونده می‌شود.

سلول انفرادی از مصادیق بارز شدت عمل و هتک حیثیت و کرامت انسانی متهمان است. گفتنی است برابر اصل ۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی هتک حرمت و حیثیت کسی که به



با چه چالش‌ها و دشواری‌هایی روبه‌رو است؟

وقتی متهم در سلول انفرادی است دسترسی به وکیل با چالش بیشتری همراه است و در موارد معدودی هم که امکان ملاقات با وکیل وجود دارد، این ملاقات میان وکیل و موکل تحت تاثیر شرایط و محیط زندان انفرادی قرار می‌گیرد و با حضور حداقل یک مامور امنیتی صورت می‌گیرد. در این موارد وکیل و خانواده متهم حتماً باید به طور گسترده اطلاع‌رسانی کنند، با این هدف که افکار عمومی به عنوان یک ضمانت برای اجرای حقوق بشر در جریان قرار بگیرند و مقامات قضایی تحت فشار قرار گرفته تا به راحتی نتوانند هر کاری که می‌خواهند انجام بدهند. در واقع، تجربه نشان داده است که سکوت مقابل اعمال غیرقانونی مقامات قضایی و حکومتی در راستای کمک به آنها است. از سویی دیگر اطلاع‌رسانی در این موارد صرف نظر از اینکه موجب تعدیل اعمال غیرقانونی آنان می‌شود، هزینه‌های آنان را نیز بالا می‌برد.

جسمی اخذ شود، فاقد ارزش و اعتبار است و دادگاه مکلف است از متهم تحقیق مجدد نماید.» صرف نظر از اینکه اقرار تحت شکنجه از ارزش و اعتبار حقوقی برخوردار نیست، گرفتن اقرار با اعمال شکنجه دارای جنبه مجرمانه نیز است و ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی ضمانت اجرای آن است. البته درست آن است که قانون‌گذار ضمن پیوستن به کنوانسیون منع شکنجه در قوانین عادی نیز به طور صریح به تعریف شکنجه پرداخته و سلول انفرادی را از مصادیق آن برشمرد.

۶. نهاد امنیتی برای انتقال زندانی به سلول انفرادی به دستور قوه قضائیه احتیاج دارد، بنابراین این قوه در جریان انتقال افراد به سلول‌های انفرادی است، چگونه است که سیستم قضایی ایران به طور سازمان‌یافته مرتکب عمل غیرقانونی می‌شود؟

صرف نظر از اینکه پیشتر گفتم در ایران در این خصوص با خلأ قانونی روبه‌رو هستیم، قضات دادگاه‌ها به ویژه دادگاه‌های انقلاب در پرونده‌های سیاسی و عقیدتی که جمهوری اسلامی آنها را پرونده‌های امنیتی می‌نامد، به منظور تحت فشار گذاشتن متهمان و اخذ اعترافات اجباری از سلول انفرادی استفاده می‌کنند. در واقع تا زمانی که قوه قضائیه در ایران از استقلال برخوردار نباشد به جای اجرای وظیفه ذاتی خود که احقاق حقوق عامه، حاکمیت قانون و استقرار عدالت است، به دستگاه سرکوب مخالفان و معترضان و آلت دست نهادهای امنیتی تبدیل می‌شود. بنابراین، حتی اگر خلأ قانونی برطرف شود، با حکومت و قوه قضائیه فعلی، ما همچنان با نقض حقوق اساسی شهروندان از جمله استفاده از سلول انفرادی و شکنجه متهمان و محکومان روبه‌رو خواهیم بود.

۷. وقتی متهم در انفرادی نگهداری می‌شود دسترسی وکیل به او ناممکن است. از سوی دیگر راهی برای اینکه متهم ثابت کند در انفرادی و زیر فشار بوده، وجود ندارد. در این موارد وکیل در دفاع از موکلش که در انفرادی زیر فشار بوده

به‌کارگیری سلول انفرادی به‌مثابه شکنجه؛

نهادهای قانون‌گریز و عدم استقلال قوه قضائیه

گفت‌وگو با سعید دهقان



جواد عباسی توللی

شکنجه در اسناد بین‌المللی از جمله در اعلامیه جهانی حقوق بشر، سلول انفرادی را مصداق بارز شکنجه دانسته و خواستار لغو به‌کارگیری آن علیه متهمان یا زندانیان شده بودند. مجله حقوق ما برای بررسی بیشتر دلایل به‌کارگیری سلول انفرادی در ایران و همچنین برای مذاقه بیشتر درباره دستاوردهای ثبت شکایت جمعی علیه نگهداری افراد در سلول انفرادی، با سعید دهقان، وکیل دادگستری و عضو اتحادیه بین‌المللی وکلای گفت‌وگو کرده است.

۳۴ سال از تصویب کنوانسیون منع شکنجه در مجمع عمومی سازمان ملل متحد می‌گذرد و جمهوری اسلامی ایران از معدود کشورهایی است که در کنار عربستان، سومالی، پاکستان و افغانستان همچنان از پذیرش این کنوانسیون خودداری می‌کند. از سوی دیگر، مراجع قضایی ایران حتی به همان قوانین نیم‌بند داخلی هم پایبند نیستند و از به‌کارگیری سلول انفرادی، به‌مثابه یکی از مصادیق بارز شکنجه، علیه متهمان سیاسی و فعالان مدنی ابایی ندارند.

این در حالی است که در اصل ۳۸ قانون اساسی به صراحت آمده است: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»

طبق آخرین گزارش‌های منتشر شده، عسل محمدی و هیراد پیربداغی، فعالان حقوق کارگری، ساعاتی پس از ثبت شکایت علیه سلول انفرادی در زندان‌های جمهوری اسلامی، توسط مأموران وزارت اطلاعات بازداشت شده و در حال حاضر در زندان اوین به سر می‌برند.

در اوایل اسفندماه سال گذشته ده‌ها تن از زندانیان سیاسی سابق و شماری از چهره‌های شناخته شده سیاسی و فعالان مدنی، پس از حضور جمعی در دفتر خدمات قضایی، یک دادخواست مشترک علیه «نگهداری افراد در سلول انفرادی» به ثبت رساندند.

امضاء کنندگان این شکایت جمعی، با تأکید بر ممنوعیت اعمال

حقوق ما: آیا به‌کارگیری سلول انفرادی به‌مثابه مجازات، مبنای قانونی و حقوقی دارد؟

دهقان: انتقال متهم به سلول انفرادی یک امر غیرقانونی است. کسانی که متهمان را در انفرادی نگه می‌دارند به عنوان یک امر غیرقانونی، به دو دلیل باید تحت تعقیب قرار بگیرند:

یک؛ از آنجا که زندانی حق و حقوقی دارد، کسانی که خلاف حق زندانی و متهم کاری انجام دهند، عمل غیرقانونی مرتکب شده‌اند و در واقع زندانی را از آزادی‌های مشروع خود محروم کرده‌اند. ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی اصلاحی سال ۱۳۸۱ برای این افراد مجازات تعیین کرده و اعلام می‌دارد که هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی بر خلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کنند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم کنند، علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی، به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. ۱۹ سال از این قانون اصلاحی می‌گذرد و با

توجه به حقوق مقرر و مرتبط در قانون اساسی از جمله اصول ۲۲، ۳۲، ۳۶، ۳۸ و ۳۹، قطعاً می‌توان گفت که آمران و عاملان انتقال متهمان به سلول انفرادی به عنوان یک امر کاملاً غیرقانونی، قابلیت تعقیب و مجازات را دارند.

دوم اینکه، بند ۴ ماده ۱۶۹ آیین‌نامه اجرائی سازمان زندان‌ها مصوب ۸۰/۴/۲۶ قوه قضائیه که مجوزی برای سلول‌های انفرادی بود، در سال ۱۳۸۲ در دیوان عدالت اداری ابطال شد. در واقع هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با صدور رأی شماره ۴۳۵ خود پذیرفته که نگهداری در سلول انفرادی یک نوع مجازات مضاعف تلقی شده و چون آن را از مصادیق شکنجه دانسته، رسماً غیرقانونی اعلام کرده است. رای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در حکم قانون است. از طرفی یک سال قبل از آن یعنی در دی ماه سال ۱۳۸۱ ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی تکلیف کسانی که آزادی‌های شخصی افراد را سلب می‌کنند یا آن‌ها را اعم از زندانی و غیر زندانی از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم می‌کنند، روشن کرده است. بنابراین سلول انفرادی یک امر غیرقانونی است و کسی که مرتکب این عمل شود طبق ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی باید تحت تعقیب قرارگیرد.

ضمناً وقتی کسی متحمل سلول انفرادی می‌شود، مشمول مجازاتی سخت‌تر از آن چیزی شده که در قانون آمده است. بنابراین طبق ماده ۵۷۹ قانون مجازات اسلامی، مأمورانی که شخص محکوم را سخت‌تر از مجازاتی که مورد حکم بوده مجازات کنند، به حبسی بین شش ماه تا سه سال محکوم می‌شوند. اگر مأموری بگوید که این عمل را به دستور فرد آمر انجام داده، طبیعتاً مقام مسئولی که چنین امری کرده محکوم می‌شود.

همانطور که مشاهده می‌کنیم، هم ماده ۵۷۰ و هم ماده ۵۷۹ قانون مجازات اسلامی تکلیف کسانی که شهروندان را به سلول انفرادی می‌کشاند، روشن کرده است. ولی ما در این سال‌ها حتی یک مورد نمی‌بینیم که مأمور یا مقام مسئول و یا ضابطی بابت کشاندن متهمان سیاسی-عقیدتی یا فعالان مدنی به سلول‌های انفرادی، به استناد همین قوانین تحت تعقیب و محاکمه قرار بگیرند؟

تاکنون پنج گروه از شهروندانی که سلول انفرادی را تجربه کرده‌اند، چه از درون زندان و چه زمانی که از زندان بیرون آمدند، شکایت خود را علیه آن ثبت کرده‌اند. آیا می‌توان یک مورد سراغ گرفت که نتیجه شکایاتشان مشخص شده باشد و مأمورانی که متهم به نقض قانون و جرم شده‌اند، تحت تعقیب قرار گرفته باشند؟

از طرف دیگر، ایران به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ملحق شده است. همانطور که می‌دانیم زمانی که یک کشور به یک میثاق بین المللی ملحق می‌شود، مفاد مندرج در آن میثاق، در حکم قوانین داخلی آن کشور تلقی می‌شود. در میثاق بین المللی

حق ماست و طبق ماده ۵۷۰ و ۵۷۹، مجازات تکلیف آن‌ها علیه مأموران متخلفی است که سایر اصول را نقض کرده است. این شکایات‌ها را باید به حساب یک منش و روش برای توجه افکار عمومی گذاشت. آن‌ها که دست به این اقدامات می‌زنند در واقع توجه ویژه‌ای به افکار عمومی، فعالان مدنی و فعالان سیاسی دارند و می‌خواهند وجدان عمومی جامعه را بیدار نگه دارند. بیدار نگه داشتن وجدان عمومی جامعه، وجدان بیدار این فعالان را نشان می‌دهد. آن‌ها همچون دادخواهان سلامت می‌دانند شکایت از مقامات مسئول در این نظام قضایی که با وجود همه‌گیری کرونا همه متحد علیه ورود واکسن بودند، بی پاسخ می‌ماند. می‌دانند، اما آن‌ها کاری را کردند که وجدان‌شان گواهی می‌داد، چراکه اقداماتی از این دست نشان می‌دهند که دادخواهی یک حق است و آن‌ها حداکثر مطالبه‌گری را با وجود همین سقف کوتاه سیستم قانونی و قضایی کشور دنبال می‌کنند.

در این‌گونه شکایات‌ها و دادخواهی‌ها، احتمال اندکی هم وجود دارد که وجدان بیدار یک قاضی با وجدان عمومی جامعه همراه شود و کاری را انجام دهد که قوانین به آن حکم کرده‌اند. اگر آگاهی افکار عمومی را به عنوان یک اصل در نظر بگیریم، فعالیت مدنی این فعالان بسیار درست است. کما اینکه همه فعالانی که در برگزاری دادگاه بین‌المللی مردمی آبان این همکاری ارزشمند را کرده‌اند، کاملاً آگاهند که رأی این دادگاه ضمانت اجرایی ندارد، اما در عین حال، علاوه بر اهمیت به افکار عمومی در جنبش دادخواهی مردم ایران، تلاش می‌کنند تا این رأی و شواهد آن را برای دادگاهی با صلاحیت کامل قانونی و با ضمانت اجرا در آینده، مستندسازی کنند. اما ارزشمندی کار آن‌ها از این روست که به عنوان هیأت منصفه به افکار عمومی جامعه ایرانی در سراسر دنیا نشان می‌دهند که در مقابل ظلمی که صورت گرفته، سکوت نکرده و نمی‌کنند. دادخواهی یعنی ما در مقابل ظلمی که به جامعه شده، سکوت نکنیم، به حقیقت احترام بگذاریم و در جستجوی عدالت باشیم. اگر این تعریف از دادخواهی را به عنوان یک اصل بپذیریم، هم شاکیان سلول انفرادی، هم دادخواهان سلامت و هم آبان تریبونال، به دنبال یک هدف هستند، آن هم اینکه در مقابل ظلم سکوت نکنیم، به حقیقت احترام بگذاریم و برای دادخواهی، در جستجوی عدالت باشیم.



زندانی می‌شود ممنوع است و فرد خاطی باید مجازات شود. سلول انفرادی هتک حرمت و حیثیت است و بدین ترتیب هم غیرقانونی شناخته می‌شود.

در مجموع، می‌بینیم که حداقل ۵ اصل از اصول قانون اساسی، تکلیف حقوق شهروندان و پاسداری از حیثیت و جان آن‌ها را در این زمینه مشخص کرده و دو ماده از قانون جزا (قانون مجازات اسلامی)، در صورت نقض هریک اصول یاد شده، تکلیف متخلفان و مأموران ناقض قانون را روشن کرده است.

حقوق ما: همانطور که گفتید در پنج نوبت، فعالان مدنی و فعالان سیاسی شکایت خود را علیه به‌کارگیری سلول انفرادی ثبت کرده‌اند. می‌دانیم که دستگاه قضایی جمهوری اسلامی هیچ‌وقت پاسخ‌گو و پیگیر این شکایات نخواهد بود. در چنین شرایطی چشم‌انداز چیست و ثبت این‌گونه شکایات چه دستاوردی خواهد داشت؟

در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران دادخواهی الزاماً به نتیجه نمی‌رسد اما آیا دادخواهان از این مسأله ناآگاهند؟ برخی فعالان تصور می‌کنند که این کنشگران از این مسأله ناآگاهند و اشتباه می‌کنند که از ظلمی که سیستم به آن‌ها وارد کرده به همان سیستم پناه می‌برند و دادخواهی می‌کنند، اما این‌گونه نیست.

آن‌ها می‌دانند که با احتمال بالا به نتیجه نمی‌رسند و آدم‌های متوهمی هم نیستند. فعالان مدنی، کسانی که زندان کشیده‌اند و سلول انفرادی تحمل کرده و شکنجه دیده‌اند، با علم به اینکه



تأیید قاضی اجرای احکام می‌شود، الف - انتقال از مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال به زندان بسته یا نیمه‌باز ب - محرومیت از ملاقات حداکثر تا سه نوبت پ - محرومیت از مرخصی حداکثر تا سه ماه ت - محرومیت از پیشنهاد عفو و آزادی مشروط حداکثر تا شش ماه.

بنابراین ما می‌بینیم که سر ماده ۵۲۴ قوانین آئین دادرسی کیفری، هیچ اشاره‌ای به مجازات سلول انفرادی به عنوان تنبیه به دلیل تخلف انضباطی نشده و این ماده، سلول انفرادی را به عنوان مجازات، به رسمیت نمی‌شناسد.

از طرفی دیگر، دیوان عدالت اداری کشور در دی‌ماه سال ۱۳۸۲ در مصوبه‌ای، بند ۴ از ماده ۱۶۹ آیین‌نامه اجرائی سازمان زندانهای ایران مبنی بر، اعمال مجازات حبس انفرادی تا مدت یک ماه به عنوان تنبیه انضباطی فرد زندانی را خلاف قانون اعلام و آن را باطل کرد.

دیوان عدالت اداری ضمن ابطال بند ۴ ماده ۱۷۵ آیین‌نامه اجرائی سازمان زندانها، با صدور رأی وحدت رویه نگهداری متهمین را در سلول انفرادی از مصادیق بارز شدت عمل و مخالف اصل ۳۹ قانون اساسی یعنی برخلاف حیثیت و کرامت انسانی متهمین قلمداد کرده است.

از طرفی هم اگر سخنان رهبر جمهوری اسلامی در مورد نگهداری در سلول انفرادی را به عنوان مرجع در نظر بگیریم که گفته بودند، گذران یک ماه در سلول انفرادی مساوی با یک

مجازات سلول انفرادی را خلاف قوانین جمهوری اسلامی ایران دانسته بود، اما از ابتدای استقرار جمهوری اسلامی در ایران تا امروز که بیش از چهار دهه است، هزاران در ایران سلول‌های انفرادی حکومت را تجربه کرده‌اند.

سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی که در راستای دفاع از حقوق بشر فعالیت می‌کنند معتقدند که حبس در سلول انفرادی نوعی شکنجه غیرانسانی و خواستار متوقف شدن آن هستند.

مجله حقوق ما در رابطه با موضوع حبس انفرادی با مختار ابراهیمی، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق، مصاحبه‌ای انجام داده که به متن کامل آن به شرح زیر است.

مختار ابراهیمی:

حبس انفرادی مجازاتی غیرقانونی، اما محبوب دستگاه‌های امنیتی



علی‌اصغر فریدی

در دنیای امروز اگر برای چند روز و یا حتی چند ساعت اینترنت‌تان قطع شود، ارتباطات رادیویی و تلویزیونی دچار اختلال شود و دسترسی‌تان به اطلاعات و اخبار محدود شود، اکثر آدم‌ها کلافه و بی‌حوصله خواهند شد، حتی شاید دچار عصبانیت و بی‌قراری بشوند.

اکنون مجسم کن، علاوه بر نبودن همه اینها، در یک اتاق کوچک و بدون پنجره و بدون ارتباط انسانی محبوس بشوی، تازه در چنین شرایطی باید به سوالاتی پاسخ بدهی که قرار است علیه تو در دادگاه از آن استفاده بشود و باید در مقابل اعتراف به آنچه که بازجو می‌خواهد اعتراف کنی، مقاومت کنی.

مجازات سلول انفرادی را خلاف قوانین جمهوری اسلامی ایران دانسته بود، اما از ابتدای استقرار جمهوری اسلامی در ایران تا امروز که بیش از چهار دهه است، هزاران در ایران سلول‌های انفرادی حکومت را تجربه کرده‌اند.

سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی که در راستای دفاع از حقوق بشر فعالیت می‌کنند معتقدند که حبس در سلول انفرادی نوعی شکنجه غیرانسانی و خواستار متوقف شدن آن هستند.

مجله حقوق ما در رابطه با موضوع حبس انفرادی با مختار ابراهیمی، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق، مصاحبه‌ای انجام داده که به متن کامل آن به شرح زیر است.

محبوس شدن سلول انفرادی، تجربه بسیار خوفناکی است که برخی از آدم‌ها و به ویژه مخالفان حکومت‌های خودکامه آن را تجربه کرده‌اند که این تجربه هولناک حتی پس از سال‌ها، هر بار گفتن و نوشتن آن، یادآور و تداعی‌کننده رنجی کهنه از روزها و شب‌های کابوس‌واری خواهد بود که بر زندانی گذشته است.

اگرچه بنا به قانون و بر روی کاغذ، مجازات حبس انفرادی در ایران ممنوع است و رهبر جمهوری اسلامی این مجازات را منع و یک ماه حبس انفرادی را معادل یک سال زندان شمرده است و آیت‌الله شاهرودی رئیس سابق قوه قضائیه هم در سال ۱۳۸۸

قوانین ایران در مورد نگهداری متهم یا زندانی در سلول انفرادی چه می‌گویند؟ آیا در قوانین ایران به نگهداری متهم یا زندانی در سلول انفرادی اشاره‌ای شده است؟

تا جایی که من اطلاع دارم، هیچ قانون و یا آئین‌نامه‌ای در قوانین فعلی ایران، مبنی بر اعمال مجازات سلول انفرادی بر محبوسان وجود ندارد.

در ماده ۵۲۴ قوانین آئین دادرسی کیفری ایران آمده است، در صورت ارتکاب تخلف انضباطی توسط زندانی، یکی از تنبیهات زیر با رعایت تناسب از سوی شورای انضباطی تعیین و پس از

سال در زندان عمومی است. هیچ دلیل قانونی و شرعی برای نگهداری افراد در سلول انفرادی وجود ندارد و این عملی کاملاً غیرقانونی است.

برخی از بازداشت شدگان و زندانیان سابق می‌گویند که برای مدتی طولانی و برخی از آنها برای ماه‌ها در سلول انفرادی نگهداری شده‌اند، بنابه آنچه شما پیش‌تر توضیح دادید که این عمل غیرقانونی است، انتقال متهم یا زندانی تحت چه عنوانی و با چه مجوزی صورت می‌گیرد؟

بله من نگفتم که این عمل انجام نمی‌گیرد، بلکه گفتم که انتقال زندانی به سلول انفرادی نه تنها مبنای قانونی ندارد، بلکه عملی غیرقانونی است، اما واقعیت این است که همانند بسیاری اقدامات دیگر که مبنای قانونی ندارند ولی در این کشور و در قوه قضائیه هم انجام می‌شوند، این مورد هم با وجود غیرقانونی بودن، انجام می‌گیرد و من هم بسیار شنیده‌ام از زندانیان و کسانی را می‌شناسم که مدت طولانی در سلول انفرادی نگهداری شده‌اند.

متأسفانه باید بگویم که نگهداری زندانیان و به ویژه زندانیان منتقد و مخالف حکومت در سلول‌های انفرادی طولانی‌مدت و بازجویی از آن‌ها به یک رویه و رویکرد در دستگاه قضایی تبدیل شده و این افراد بلافاصله پس از بازداشت تا مدت‌ها در سلول انفرادی نگهداری می‌شوند و همانطور که قبلاً هم گفتم این عمل نه تنها مبنای قانونی ندارد، بلکه مخالف اصل ۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم هست.

بار دیگر یادآوری کنم که از لحاظ حقوقی، بنابه اصل ۳۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حکم به مجازات و اجراء آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد و به صراحت اصل ۳۹ قانون مزبور، هتک حرمت و حیثیت محکومان به زندان بهر صورت ممنوع و مستوجب مجازات اعلام گردیده و حکم مقرر در ماده ۵۷۹ قانون مجازات اسلامی نیز مفهوم عدم جواز اعمال مجازات مقرر درباره محکومان بنحو سخت‌تر از حد متعارف است.

سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و حقوق بشری در مورد نگهداری افراد در سلول انفرادی چه می‌گویند و چه نظری دارند؟

در اصل هفتم میثاق‌نامه بین‌المللی که ایران هم یکی از امضاء کنندگان آن است، آمده است که، هیچ کس نباید تحت شکنجه یا مجازات بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد. همچنین سازمان عفو بین‌الملل استفاده از سلول‌های انفرادی را خلاف قوانین بین‌المللی و مصداق باز شکنجه دانسته است. بنابه به اصل ۹ قانون مدنی ایران، معاهدات بین‌المللی امضا شده از سوی ایران را به اندازه قوانین داخلی معتبر می‌داند. براین اساس و از آنجا که ایران یکی از امضاکنندگان میثاق‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است، جمهوری اسلامی موظف است تا به این میثاق‌نامه بین‌المللی متعهد باشد و همانطور که قبلاً گفتم، اصل هفت این عهدنامه می‌گوید هیچ کس نباید تحت شکنجه یا مجازات بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد.

آیا شخصی که مدتی را سلول انفرادی به سر برده، می‌تواند از آمران و عاملان آن شکایت کند؟ همچنین برای عدم اعمال حبس انفرادی چه کار باید کرد؟

قطعاً می‌توان شکایت کرد و تا جایی هم که من اطلاع دارم، تا کنون چندین شکایت در همین زمینه از سوی کسانی که مجبور به تحمل حبس انفرادی شده‌اند، در برخی از دفاتر قضایی ثبت شده، اما در پاسخ به بخش دوم سوال شما باید بگویم که در سیستم‌های حکومتی مدرن و قانون‌مدار، علاوه بر وضع قوانینی که مانع از تعرض به حقوق انسانی شهروندان و رعایت کرامت ذاتی آنان می‌شود، دستگاه‌ها و نهادهای نظارتی غیروابسته به دولت و حاکمیت و بی‌طرف هم دایر می‌شوند که اجرای قوانین را تضمین کنند، اما متأسفانه ما در ایران فاقد چنین دستگاه نظارتی مستقل هستیم و از سوی دستگاه‌های دولتی هم اراده‌ای و یا شاید توانایی، برای ممانعت از برخی کارشکنی‌ها و نقض قوانین برخی نهادهای امنیتی وجود ندارد.

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر
 ایران / محمود امیری مقدم
سردبیر این شماره: مریم غفوری
تماس با مجله: mail@iranhr.net